

هان ای افغانی، ای حماسه ساز، تا محو دشمن بر ستم بتاز
میهن ت اسیر فتنه زمان، خانه ات به زیر پای غاصبان، خود به سنگر و میدان
در مصاف مردی و تکاوری، شهره یی، به گردی و دلاوری، چون پلنگ کوهستان
خیز ای افغانی، ای حماسه ساز، باز بر اهریمن بی امان بتاز
تا که با گلوله های جان ستان، میزنی شراره بر مهاجمان، با صلابت شیران
زنده می کنی شکوه قاضیان، زنده یاد تو همیشه در جهان، ای برادر افغان
زیر سقف آسمان، از سلاح خون فشان، برفشان گلوله بی امان
تا که از خروش تو، خصم هرزه کوش تو، لرزه اش فتد به جسم و جان
قیامتان به کام ای دلاوران، خروشتان مدام ای بهادران
خون هر شهید لاله رویتان، پاسخی به خصم یاوه گویان، می دهد در این میدان
حامی رهایی ستمکشان، بر ستمکشان شده شرر فشان، یاد از این ستمکاران
هان ای افغانی یاورت خدا، هان منشین یک دم از خدا جدا
همچنان ز پشت سنگر قیام، برگشا شراره های انتقام، به سپاه خونخوران
تا نوای ملحدان نگون کنی، قدرت ستمگران زبون کنی زیر پرچم قرآن